

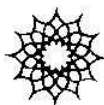
تکاپوی ملیت ایرانی

در قرن دوازدهم هجری

۱۳۹۶/۱۶/۳۴

محمد علی فتح‌الهی

www.ketab.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

تکاپوی ملیت ایرانی

در قرن دوازدهم هجری

مؤلف: محمدعلی فتح‌الهی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

ویراستار: علیرضا پلاسید

صفحه‌آرایی و جلد: فرزانه صادقیان

مستول فنی: عرفان بهار دوست

ناشر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: سحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: فتح‌الهی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: تکاپوی ملیت ایرانی در قرن دوازدهم هجری / محمدعلی فتح‌الهی؛
ویراستار علیرضا پلاسید.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ل، ۱۰۵ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-964-426-850-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: ویژگی‌های ملی ایرانی

موضوع: ایرانیان — هویت

موضوع: ایران — تاریخ — صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ ق.

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۶۵/۹ ف۲ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۳۷۳۷۳

فهرست مطالب

ز	پیشگفتار
ط	مقدمه
۱	فصل اول: تحولات علمی و نظری
۳	قرن دهم و تشکیل حکومت صفوی
۹	قرن یازدهم
۱۴	دو گرایش عقلی و اخباری در فقه شیعه
۲۰	قرن دوازدهم و طرح جامعه فقهی
۲۵	پی‌ریزی ریاست دینی و روحانی
۳۲	علل اقبال به فلسفه ملاصدرا
۴۰	تحول در ادبیات
۴۹	فصل دوم: تحولات در عرصه سیاست عملی
۵۰	دوره نادری و زوال مشروعیت صفویه
۵۵	نادرشاه و سیاست تضعیف تشیع
۶۷	حکومت کریم خان و دوره انتقالی
۷۱	مناسبات علما با حکومت
۷۸	پیدایش زمینه‌های مردم‌سالاری
۸۴	روابط بین دولت‌ها
۸۸	ضعف نادر در مقابل عثمانی
۹۴	تأسیس افغانستان پس از نادر
۹۷	خاتمه: تحلیل کلی تحولات قرن دوازدهم هجری
۱۰۳	منابع

پیشگفتار

تکوین این نوشتار در ادامه کتاب قبلی نگارنده است که با عنوان «شکل‌گیری ملیت ایرانی» از سوی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است. تلاش نگارنده، در آن کتاب بر آن بود است که در مسیر بررسی تحولات تاریخی، خواننده را کمک کند تا چگونگی تکوین و پیدایش واقعی هویت ملی ایرانی را ادراک نماید. برجسته کردن تشکیل اولین حکومت ملی ایرانی، دوره صفوی به عنوان نتیجه مقدمات تاریخی گذشته در آن کتاب، خود مقدمه‌ای است تا اهمیت فوق‌العاده سقوط آن حکومت را بر چالش‌های هویت ملی ایرانی متوجه شود. چیزی که کتاب حاضر در پی درک ابعاد مختلف آن است.

از نظر نگارنده، حوزه مطالعات ملیت ایرانی، بخشی از تحقیقات اسلامی است. بعد از واقعه ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام که طلب حکومت دین در میان ایرانیان نشأت گرفت و ایران به عنوان مرکز تمدن اسلامی رخ نمود، بررسی تکامل‌های ملیت ایرانی، بخشی از مطالعات اسلامی محسوب می‌شود. اینجانب، خلا و ضعف‌های، در زمینه ارتباط مطالعات ملی با تحولات حوزه‌های فکری و نظری جامعه، چون فقه و فقه و ادبیات، مشاهده می‌کنم و این دغدغه باعث شکل‌گیری این نوشتار نیز گردید. امیدوارم که حداقل برای گسترش امکان طرح نگرش‌های نوین در حوزه هویت ملی مفید باشد.

مقدمه

ملیت‌ها در مسیر تاریخ شکل می‌گیرند، و به میزانی که تحقق پیدا کنند، منشأ آثار می‌شوند: استقلال از همسایگان و دیگران را نشان می‌دهند و زندگی مردم خود را در همه عرصه‌ها راهبری می‌کنند. همچنین، به سان هر موجود زنده‌ای برای بقا و حیات خود و نیز رشد و تکامل خویش، ارزش و تکاپو از خود نشان می‌دهند؛ در مقابل، آسیب‌های وارده مقاومت می‌کنند؛ و مناسب با شرایط جدید پیش آمده، سامان نوینی برای خود پیدا می‌کنند و به رشد و شرافت خود ادامه می‌دهند. البته، ویژگی خود-سامان‌دهی هویت‌ها و ملیت‌ها تحت تأثیر شرایط شکل‌گیری است و بنیادهای آن‌ها را تشکیل می‌دهد. به هر میزانی که پدید آمدن آن‌ها، شکل طبیعی و شفاف باشد و همه عناصر و مؤلفه‌های لازم را با خود داشته باشد، در سامان‌دهی مجدد خود هم موفق‌تر ظاهر می‌شوند.

هر هویتی در سه حوزه اصلی حیات آدمی (داشتن یک دستگاه رفتاری معطوف به شناخت انسان و هستی، تبعیت از یک نظام حقوقی و قانونی برای برقراری عدالت، نیل به یک همدلی جمعی خلاق، و عزم و اراده همگانی برای پیشرفت) باید نمود داشته باشد، و این سه را در حد کمال و نیز قابل عرضه برای دیگران داشته باشد. در این صورت است که می‌توان گفت نه تنها فنا نیستی برای او نخواهد بود، بلکه سستی و فتوری هم در طی مسیر رشد خود نخواهد داشت.

تحقیقات و بررسی‌ها در باره ملیت ایرانی نشان می‌دهند که این طبیعی و شفاف بودن را می‌توان به خوبی در فرایند شکل‌گیری آن مشاهده کرد، و همچنین، ویژگی‌های سه‌گانه که اشاره شده را کامل و مستقل از دیگری در آن یافت. کتاب شکل‌گیری ملیت/ایرانی، تألیف نگارنده، این وضع را به خوبی نشان می‌دهد. ملت ایران

ی تکاپوی ملیت ایرانی در قرن دوازدهم هجری

در طول تاریخ خود عناصر اصلی هویت خود را به دست آورد و پالایش کرد، و در مواقعی هم، ناخالصی‌هایی را از آن کنار گذاشت. ایرانیان خود را ایرانی می‌دانند و به ایرانی بودن خویش در مواجهه با دیگران می‌بالند. این مردم نظام معرفتی و شرعی ملیت خود را از دین اسلام و مکتب تشیع دریافت کرده‌اند، و هدف خود را کسب ترقی و پیشرفت مادی و معنوی خود قرار داده‌اند.

البته، بحث از هویت ملی بیش از آن که مربوط به گذشته و تاریخ باشد، باید امروز یک جامعه را بنمایاند، و نشان دهد که یک ملت چه حرفی برای گفتن در دنیای کنونی دارد. دیگر سخن، مطالعات جامعه‌شناختی در باره هویت ملی با رویکردی به مقوله «جهانی شدن» مربوط دارد، چرا که ملیت از عوامل مهمی است که انسجام اجتماعی و وفاق ملی را در هر جامعه‌ای به وجود می‌آورد، و هر اندازه که ملتی از هویتی محکم‌تر و منسجم‌تر برخوردار باشد، به همان اندازه در تحکیم پایه‌های همبستگی و وفاق اجتماعی موفق‌تر و برای راجعه با دیگران در دنیای کنونی آماده‌تر خواهد بود.

این امر ما را از مطالعات تاریخی در باره چگونگی تکوین و رشد هویت ملی بی‌نیاز نمی‌کند، چرا که هویت‌های ملی در این زمان و در بستر جامعه شکل می‌گیرند، و از رویدادها و تحولات تاریخی تاثیر می‌پذیرند. هرچنین، هر هویتی که امروزه در جامعه و میان گروه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، برگرفته از جریان‌های تاریخی در ادوار مختلف است، و بازسازی هویت‌ها و حفاظت از اصالت آن‌ها در زمان کنونی هم به آگاهی از تحولات گذشته آن نیاز دارد. از طرف دیگر مطالعه تحولات تاریخی گذشته نیز با دیدگاه‌های امروزی صورت می‌گیرد، و هویت امروز ما سازه خود را بر گذشته تاریخی ما می‌گستراند. به عبارت دیگر، چگونگی مطالعات گذشته، به سبب خود، امروز ما را نیز می‌نمایاند.

البته آن چه در این بررسی‌های تاریخی در باره هویت ملی ایرانی مورد نظر این نوشتار است، اهمیت سیاسی این مطالعات است که زمینه‌های شکل‌گیری نظام سیاسی کنونی جامعه ایرانی را در بستر تکوین و تکامل هویت ملی روشن می‌سازد.

اگر پیدایش و ظهور رسمی هویت ملی ایرانی را با تشکیل حکومت ملی صفویه در آغاز قرن دهم هجری در نظر بگیریم، سقوط دولت صفوی و اتفاق‌های بعد از آن در قرن دوازدهم هجری باعث گردید که مرحله جدیدی در جریان تکوین و بلوغ سیاسی و

اجتماعی این هویت پدید آید. تأثیرات این تحولات به قدری وسیع است که گاه می‌توان در نظام سیاسی و در زندگی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کنونی خودمان هم آثار آن را مشاهده کرد. قرن دوازدهم قرن تحولات اساسی در تاریخ ایران و یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی این کشور محسوب می‌شود، و تحولات عظیم این قرن سرنوشت کشور را تغییر داد. تحقیقات خوبی را هم محققان داخلی و خارجی در این باره انجام داده‌اند و متون قابل توجهی را نیز، چه از طرف مورخان ایرانی و چه از ناحیه سیاحان و نمایندگان سیاسی و تجاری خارجی، در باره آن در اختیار داریم که وقایع مهم آن دوره، چون سقوط صفویه، روی کار آمدن نادر و کریم خان، و دوران جنگ‌های ملوک الطوایفی برای تسبیب قدرت را شرح می‌دهند. لذا، هدف ما در این نوشتار تکرار کارهای انجام پذیرفته، مثل مجدد وقایع تاریخی آن دوران نیست، بلکه سعی بر این است که تحولات آن در تاریخ را از دید علوم سیاسی و میزان تأثیرگذاری آن در تحولات هویت ملی ایرانی مورد توجه قرار دهیم. البته، وقایع مهمی که به تحول در اندیشه‌ها و نگرش‌های سیاسی انجامیدند با عنایت بیشتری دنبال خواهد شد. در واقع، تلاش بر این است که مواجهه هویت ملی، ادانی با حوادث عینی و ذهنی این قرن و تحولاتی را، که در نتیجه این مواجهه پیدا شده است مورد توجه قرار دهیم. به دیگر سخن، بروز لایه‌های جدیدتری از هویت ملی و ذهنی که در این دوره برای آن حاصل گشته است پیگیری خواهد شد. انتخاب عنوان «تکوین ملیت ایرانی در قرن دوازدهم هجری» نیز با چنین نگرشی صورت پذیرفته است.

وقایع قرن دوازدهم هجری عرصه نمایش نوعی انتقال و بررسی رای هویت ملی ایرانی است که می‌توان آن را حرکت از اجمال اولیه به جنبه‌های تفصیلی‌تر و جدی‌تر نام گذاشت. هر کدام از جنبه‌های گوناگون ملیت، چون بُعد معرفتی و خودآگاهی آن، جنبه نظام‌سازی سیاسی و حقوقی، و همچنین وجود عزم و اراده همگانی، متناسب با مقتضیات خود سهم خویش را در این رشد و تحول ایفا کرده‌اند. با توجه به اهمیت تحولات در حوزه‌های معرفتی و به ویژه نگرش‌ها و رهیافت‌های علمی و تأثیر آن بر تکوین و رشد هویت‌های فردی و سیاسی و اجتماعی، فصل اول کتاب را به بررسی تحولات علمی و نظری قرن دوازدهم هجری اختصاص داده‌ایم تا بتوانیم رشد و تعالی هویت ملی ایرانی را از این منظر مطالعه کنیم.

ل نکاپوی ملیت ایرانی در قرن دوازدهم هجری

از طرف دیگر، تحولات عرصه عینی سیاست هم تأثیر مستقیم در شکل‌گیری نظام‌های سیاسی، حقوقی و همچنین برقراری تعادل اجتماعی داشت و نگاه‌های مردم‌سالارانه جدید را پدید آورد، که به واقع، جنبه حقوقی و عینی ملیتها را تشکیل می‌دهد. لذا، در فصل بعدی کتاب سعی می‌کنیم با بیان اجمالی از این وقایع، تأثیرات آن‌ها را بر تحولات ملیت ایرانی بررسی کنیم. به نظر می‌رسد با شناخت از تحولات علمی و همچنین وقایع عینی حوزه سیاست در قرن دوازدهم، بتوان به درک عمومی از وضعیت هويت ملی در ایران آن زمان نائل آمد.

دک صحیح‌تر و مطابق با واقع از تحولات سده دوازدهم هجری باعث خواهد شد که شناخت ما بر ارضه رضع کنونی خودمان دقیق‌تر گردد، و عمق تغییرات صورت گرفته تا زمان فعلی را بهتر درک کنیم.